

محمدنقی صالحی

دبیر تاریخ زنجان

پی آمدهای اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم

کلیدواژه‌ها: اشغال، ایران، متفقین.

مقدمه

با آغاز جنگ جهانی دوم در اول سپتامبر ۱۹۳۹م. ۹۰٪ شهریور ۱۳۱۸ ش.، دولت ایران بی‌طرفی خود در این جنگ را رسماً اعلام کرد. اما طولی نکشید که با حمله آلمان به شوروی، دامنه جنگ به مرزهای ایران نیز کشیده شد. موقعیت راهبردی و سوق‌الجیشی ایران از یک سو و اهداف سیاسی و نظامی متفقین از سوی دیگر موجب گردید تا در سحرگاه سوم شهریور ۱۳۲۰ ش. ارتش شوروی از شمال و ارتش انگلیس از جنوب و غرب - به بهانه حضور جاسوسان آلمانی در ایران - وارد کشور ما شوند و پس از تصرف شهرهای سر راه، به سوی تهران پیش‌روی کنند. در پی این رویداد، طی چند هفته، ارتش ایران به سرعت متلاشی شد. رضاشاه استعفا داد و در ۲۵ شهریور فرزندش محمدرضا با کمک محمدعلی فروغی و موافقت متفقین به سلطنت رسید.

متفقین پس از اشغال ایران و در طی سال‌های جنگ و پس از آن، کلیه منابع و امکانات ایران از قبیل راه آهن سراسری، نفت، وسایل حمل و نقل، کارخانجات، گمرکات، تولیدات کشاورزی و دامی و نیروی انسانی و... ایران را تصاحب کردند. غارت منابع و امکانات ایران در مجموع سر به میلیاردها ریال زد، و این در حالی بود که کشور در آتش قحطی، ناامنی، بیماری و فقر می‌سوخت. به علاوه، فشارهای سیاسی و دخالت‌های اشغالگران موجب ناپایداری دولت‌های ایران در سال‌های اشغال شد. در مدت چهار سال نزدیک به ده دولت در ایران روی کار آمدند. مداخله اشغالگران در امور داخلی ایران، عوامل و عناصر نامطلوب را بر شئون سیاسی کشور حاکم گردانید. روس‌ها و انگلیسی‌ها، خود شورش‌ها و قیام‌های متعددی را در مناطق مختلف ایران ترتیب دادند که به هرج و مرج، ناامنی و بی‌ثباتی بیشتر کشور منجر شد و سال‌ها طول کشید تا ایران شرایط عادی خود را بازیابد. در این مقاله گوشه‌هایی از پی آمدهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی اشغال ایران در این جنگ را، به اختصار، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف. پی آمدهای اقتصادی

یکی از مهم‌ترین پی آمدهای اشغال ایران، گسیختگی و نابسامانی اقتصادی بود. محمدعلی کاتوزیان می‌نویسد: «پی آمدهای اقتصادی اشغال ایران ویران کننده بود. متفقین به مواد غذایی، توتون، مواد خام و جز این‌ها برای مصارف نیروهای خود در ایران و سایر نقاط نیاز داشتند. از این رو دولت ایران را عملاً وادار کردند تا این منابع اقتصادی را در اختیارشان قرار دهد. این اقدام با استفاده از «سیاست» پولی و به‌ویژه کاهش ارزش پول ایران، بسط عرضه پول و افزایش اعتبارات انگلیس و شوروی به انجام رسید... به زبان ساده، کل قضیه، یعنی کاهش ارزش پول، انتشار اسکناس و اعطای وام به انگلیس و شوروی دزدی مسلحانه‌ای بود از ملتی بسیار ضعیف و فقیر...» (کاتوزیان، ۱۸۷)

مخبر السلطنه هدایت نیز در کتاب «خاطرات و خطرات» در خصوص اوضاع اقتصادی دوران اشغال ایران و پس از آن، چنین می‌نویسد: «... ملت گرفتار تنگی و گرانی نرخ‌ها، ... دولت را مجبور به چاپ کاغذ کردند و خریدهای خودشان را به پول مملکت بر گذار کردند و گفتند در مقابل، طلا ذخیره کرده آخر سر قرص خودمان را می‌پردازیم. مقداری هم طلا به بانک رساندند. مبالغ گزاف طلبکار ماندیم؛ که روسیه در مقابل تا امروز که دهم فروردین ۱۳۲۷ است گراوغلی می‌خواند و امریکا جنس می‌پردازد غالب بی‌مصرف. هنوز نرخ‌ها بالاست؛ مردم در زحمت و نگرانی...» (هدایت، ۴۲۶)

به‌طور کلی ابعاد اقدامات اقتصادی و چپاولگری‌های متفقین که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد عبارت بود از:

۱. تصاحب مناطق نفتی و بهره‌برداری

از نفت ایران

اهمیت راهبردی نفت ایران در جنگ

حمل و نقل و موتوریزه و هواپیماها از معدن نفت جنوب که امتیاز آنرا انگلیس ها دارند حداکثر استفاده را نمودند و نفت ایران در تسهیل عملیات جنگی آن ها رُل عمده ای را بازی نمود. وزارت امور خارجه از مقدار استفاده هایی که از نفت ایران شده اطلاع کامل ندارد و شاید وزارت دارایی اطلاع داشته باشد.» [تبرائیان، ۴ - ۵۸۳]

۲. تسلط بر راه های ارتباطی به ویژه راه آهن ایران

راه آهن سراسری ایران که در دوران حکومت رضاشاه احداث شد، پس از اشغال ایران توسط متفقین در شهریور ۱۳۲۰، به تصرف نیروهای نظامی اشغالگر روس و انگلیس درآمد و همین خط آهن یکی از عوامل عمده پیروزی متفقین در

نفت ایران توسط متفقین در زمان اشغال را نقل می کنیم.

وزارت امور خارجه

اداره سوم سیاسی

تاریخ تحریر: ۲۰/۲۳۱۱

استفاده از نفت:

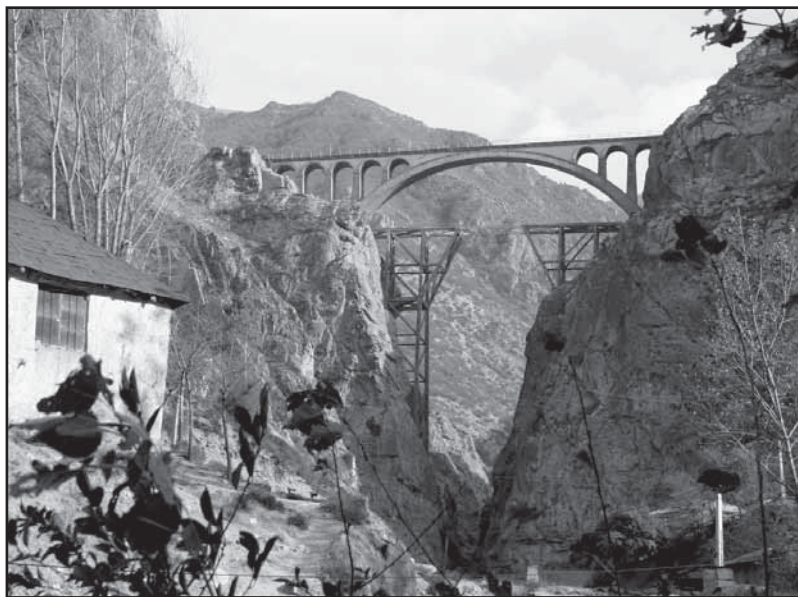
اهمیت نفت در پیشرفت جنگ به حدی روشن است که توضیح در این قسمت را زاید دانسته و فقط متذکر می گردد که متفقین ما در این جنگ از چنین ماده حیاتی که در این سرزمین به اختیار آن ها گذاشته شده بود کاملاً بهره مند شده و در آن موقعی که از معادن مهم نفت برمه و هند هلند محروم شده بودند و امنیت راه های مدیترانه و دریای احمر در خطر افتاده بود... برای مصرف سوخت کشتی ها، ماشین آلات، وسائط

جهانی دوم بر کسی پوشیده نیست. اساساً این نفت ایران بود که ماشین جنگی متفقین را سرپا نگهداشت. «متفقین با در پیش گرفتن سیاست استخراج نامحدود نفت از چاه های ایران و تأمین نیازهای سوختی ارتش های خود به طور رایگان از نفت ایران، ضمن چپاول ثروت ایران، از مخارج ماشین جنگی خود به طرز فاحشی کاستند...» [الهی، ۶ - ۲۰۵]

بی شک نفت ایران، که با ظرفیت چند برابر بهره برداری می شد، یکی از عوامل اصلی پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم بود. مشخص نشد چه مقدار و چگونه این ثروت ملی مردم ایران در دوران جنگ و اشغال به غارت رفت. یادداشتی از وزارت امور خارجه ایران در خصوص استفاده از

◀ بی شک نفت ایران، که با ظرفیت چند برابر بهره برداری می شد، یکی از عوامل اصلی پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم بود. مشخص نشد چه مقدار و چگونه این ثروت ملی مردم ایران در دوران جنگ و اشغال به غارت رفت





◀ چرچیل نخست‌وزیر زمان جنگ انگلیس «پل ورسک» در مسیر راه‌آهن سراسری ایران را «پل پیروزی» لقب داد

کشاورزی و دام‌های کشور را در مناطق اشغالی چپاول می‌کردند. «سیاست اقتصادی شوروی در ایران در طی جنگ جز استثمار و بهره‌برداری از منابع ایران هدف دیگری نداشت. در پائیز سال ۱۹۴۲ (۱۳۲۱) دولت شوروی قراردادی با ایران منعقد کرد که به موجب آن دولت ایران متعهد شد که برای برآوردن نیازهای شوروی سالیانه ۷۰۰۰ تن گندم و ۱۵۰۰۰ تن جو و ۲۰۰۰۰ تن برنج به دولت شوروی تحویل دهد...» [ذوقی، ۱۳۵]

۴. کنترل گمرکات شمال و جنوب

کشور توسط قوای اشغالگر

قوای اشغالگر گمرکات ایران را در کنترل خود گرفتند و مأموران ایرانی را از محل کار خود راندند. بنابراین ورود و خروج هر نوع کالا با نظر متفقین صورت می‌گرفت. معلوم بود که بدین ترتیب منابع کشور توسط عوامل متفقین خارج می‌گردید و به جای آن، در آن شرایط قحطی، کالاهای مصرفی با چندین برابر قیمت واقعی وارد می‌شد.

«... در طول مدت جنگ مرزهای بین دو کشور ایران و شوروی عملاً از میان برداشته شده بود. گمرکات مرزهای شمالی نیز عملاً از میان برداشته شده بود. کارکنان ایرانی گمرک از محل کار خود رانده شده و اصولاً امور گمرکی نیز صورت نمی‌گرفت...» [همان، ۱۳۰]

۵. در اختیار گرفتن وسایل حمل و نقل

خصوصی و ملی

در طول جنگ، کلیه وسایل حمل و نقل

درصد، متفقین نزدیک به ۱۴۰ میلیون دلار به ایران بدهکارند، حال آن‌که آن‌ها تنها حاضر به پرداخت ۵/۲ میلیون دلار بودند و ظاهراً دولت ایران نیز از دریافت این مبلغ خشنود بود...» [کاتوزیان، ۱۸۸]

سیستم حمل و نقل کالا و مواد مصرفی و غذا در سطح کشور به کلی از هم پاشید و گرانی و قحطی را گسترش داد. اثرات مخرب از هم گسیختگی خطوط ارتباطی و فرسودگی وسایط نقلیه در ایران حتی سال‌ها بعد از خاتمه جنگ ادامه یافت و ضایعات مالی و جانی غیرقابل محاسبه‌ای به وجود آورد.

۳. استثمار و بهره‌برداری از منابع

کشاورزی

در شرایطی که مردم با کمبود ارزاق عمومی مواجه بودند، عده زیادی از مردم در شهرهای مختلف ایران بر اثر قحطی و گرسنگی تلف می‌شدند. متفقین تولیدات کشاورزی دام‌های مردم را می‌ربودند و درختان جنگل‌ها را می‌بریدند و مورد استفاده قرار می‌دادند. انگلیسی‌ها حتی قسمتی از احتیاجات غذایی نظامیان خود در عراق را از ایران تأمین می‌کردند [تبرائیان، ۲۳۷] و روس‌ها نیز همین‌طور منابع

جنگ جهانی دوم گردید. به طوری که چرچیل نخست‌وزیر زمان جنگ انگلیس «پل ورسک» در مسیر راه‌آهن سراسری ایران را «پل پیروزی» لقب داد. این راه‌آهن با چندین بربر ظرفیت مورد بهره‌برداری متفقین قرار گرفت و در پایان جنگ تقریباً مستهلک شده بود. مردم ایران برای مسافرت و یا حمل بار از متفقین اجازه می‌گرفتند. روس‌ها راه‌آهن شمال را به طور کامل در اختیار گرفته بودند.

«روس‌ها تمام راه‌آهن و راه‌های شمال کشور در استان‌های پنج‌گانه شمال را مورد استفاده تام و تمام خود قرار داده بودند ولی نگهداری و تعمیرات راه‌آهن و راه‌ها همچنان به عهده دولت ایران بود و تنها حق عبور ناچیزی به دولت ایران می‌پرداختند که آن‌را هم بعدها قطع کردند و به بهره‌برداری کامل از خطوط و راه‌ها پرداختند...» [ذوقی، ۱۲۷]

متفقین طبق قرارداد متعهد شده بودند که در مقابل استفاده از راه‌آهن سراسری ایران ۶ درصد سود به ایران بدهند، اما پس از چهار سال استفاده رایگان به تعهد و توافق خود عمل نمی‌کنند و مبلغ ناچیزی به ایران می‌دهند. «... براساس نرخ بهره ۶

ب. پی‌آمدهای سیاسی و امنیتی اشغال ایران

۱. فشارهای سیاسی

رفتار و خواسته‌های متفقین در ایران به‌نحوی بود که می‌توان آن‌را به سیاست مشخص و شناخته شده دولت‌های انگلیس و شوروی، در آن زمان، در جهت تضعیف حکومت مرکزی و تدارک زمینه لازم برای دخالت در امور کشور توجیه کرد.

«... مقامات انگلیس و شوروی با این اندیشه نابجا که ایران در اشغال و تصرف نیروهای نظامی آن دو دولت است، علی‌رغم مفاد پیمان اتحاد سه جانبه، هر یک به‌نحوی در امور ایران مداخله و موجبات ضعف دولت‌ها و چیرگی عوامل و عناصر مخرب را بر شئون سیاسی کشور فراهم می‌ساختند...» [بیانی، ۲ - ۸۱]

از فشارهای سیاسی دیگر، دایر کردن کنسولگری‌های روس در اغلب شهرهای ایران برای کنترل و دخالت مستقیم در امور داخلی ایران بود: «... دولت شوروی از اشغال ایالات شمالی ایران بهره‌برداری خوبی در جهت توسعه کنسولگری‌های خود در ایران نمود. کمی پس از اشغال ایالات شمالی، دولت شوروی رسماً از دولت ایران خواست تا کنسولگری‌های شوروی در تبریز، مشهد، رشت، شیراز، اهواز، اصفهان، کرمان، کرمانشاه، بندرعباس و خرمشهر دایر گردند. تا قبل از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ شوروی تنها یک کنسولگری در بندرپهلوی و ایران نیز تنها یک کنسولگری در باکو داشت. دولت ایران با تقاضای تأسیس کنسولگری‌های شوروی در تبریز و مشهد، مشروط به تأسیس کنسولگری‌های ایران در تفلیس و اشک [عشق] آباد، موافقت کرد...» [ذوقی، ۱۳۳]

۲. دخالت در انتخابات مجلس

متفقین تلاش می‌کردند عوامل و

داد، هیچ جوابی ندادند. لاعلاج به آستان مقدس شکایت نمودم. سه ماه است ماشین را خریدم ۸۰۰۰۰ ریال بدهکار، دارای چند نفر عائله هستم، طلبکار فشار آورده برای پول هیچ راهی ندارم. در خامه راضی نشوید ۲۵ نفر عائله از بین بروند. ورود به دفتر ریاست وزراء

شماره: ۸۴۰۴

تاریخ ۲۴/۲۰۷/۲۰» [تبرائیان، ۱۵۰]

۶. تصاحب تجهیزات نظامی و کارخانجات مهمات‌سازی ایران

روس‌ها مقادیر زیادی سلاح و مهمات ارتش ایران را غصب و مصادره کرده و به شوروی حمل می‌نمایند. دولت ایران برای جلوگیری از این امر و کسب رضایت روس‌ها ناگزیر به عقد معاهده‌ای با دولت شوروی می‌شود. به موجب این معاهده که در تاریخ ۲۳ ژانویه ۱۹۴۳ به امضاء می‌رسد کارخانه‌های اسلحه‌سازی ایران زیر نظر و با مشورت متخصصین فنی شوروی اقدام به تولید سفارشات ارتش سرخ می‌کند و دولت ایران متعهد می‌شود تا ۸۰ درصد تولیدات کارخانه‌های مهمات‌سازی خود را نیز در اختیار شوروی قرار دهد. کلیه مخارج و هزینه‌های تولید این کارخانجات در طول مدت قرارداد به‌عهده دولت ایران بود و تعیین قیمت محصولات آن‌ها که دولت شوروی متعهد به پرداخت آن بود به آینده موکول شد [ذوقی، ۱۳۴]

۷. در اختیار گرفتن بنادر جنوب و شمال

بنادر جنوب کشور در اختیار انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها قرار داشت و بنادر شمال در کنترل روس‌ها بود. کارکنان بنادر ایران اخراج شده و یا در استعمار متفقین بودند. «علاوه بر راه‌ها و راه‌آهن، دولت شوروی تمام بنادر شمال را با تمام شمال را با تمام متعلقات آن در اختیار خود گرفته بود...» [همان، ۱۳۷]

خصوصی و ملی ایران نیز توسط روس‌ها و انگلیسی‌ها برای حمل و نقل مهمات و مواد غذایی و نفقات ارتش خود، مصادره شد. این درحالی بود که در کل ایران بیش از چهار هزار کامیون وجود نداشت. «... تا قبل از شهریور ۱۳۲۰ چهار هزار دستگاه کامیون برای رفع حوائج ایران موجود بود که در شهریور ۱۳۲۰ ششصد دستگاه کامیون را مأمورین شوروی برای احتیاجات خود مصادره کردند. اتحادیه بازرگانی انگلیس U. K. C. C هم برای حمل و نقل مواد و مهمات از جنوب به شمال ایران متجاوز از دو هزار دستگاه از کامیون‌های ایران را تصاحب کرد و بقیه هم به‌علت کمبود لاستیک از کار افتادند...» [همان، ۸ - ۱۳۷]

و در سند دیگری، از مصادره کامیون‌های ایرانی توسط نظامیان ارتش سرخ برای حمل آذوقه، مهمات و نفقات تصریح شده است که در اینجا به اصل سند اشاره می‌کنیم.

وزارت پست و تلگراف و تلفن
 تلگراف از دامغان

تاریخ وصول: ۲۳/۷/۱۳۲۰

دفتر مخصوص شاهنشاهی، رونوشت ریاست وزراء، رونوشت مجلس شورا چهارم شهریور در شاهرود نظامی‌های ایران ماشین اسودیکر [کذا] باری شماره ۲۷۹۹ ط، ماتور [= موتور] ۱۶۹۶۵۸، پروانه گمرک ۵۵۹۷ خرمشهر، به نام علی‌اکبر فدائیان را گرفته بین راه گرگان با قشون سرخ مصادف نمود، [سربازان قشون سرخ] ماشین را از نظامی‌های ایران گرفته به گرگان برده، حقیر گرگان رفته عریضه به کاپیتان رئیس قشون سرخ نموده، ذیل عریضه به سربازخانه نوشته ماشین را تحویل بدهند. سربازخانه جواب داد ماشین را به عشق‌آباد بردند. تلگراف [به] سفارت شوروی، وزارت خارجه از گرگان نمود، عریضه به سفارت انگلیس و مجلس شورا

طرفداران خود را به هر شکلی که شده وارد مجلس کنند و به اهداف سیاسی و غارت منابع این ملت و دیگر اعمال نامشروع خود صورت قانونی بدهند. راه دیگری که شوروی و انگلیس برای اعمال نفوذ بیشتر در ایران در نظر داشتند همان دخالت در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی بود که در سال ۱۹۴۳ برگزار می‌گردید... در فاصله بین سال‌های ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ روس‌ها از حزب توده و انگلیس از احزابی مانند حزب اراده ملی حمایت و به این ترتیب در امور داخلی ایران دخالت می‌کردند [همان، ۳ - ۱۴۲]

۳. بازداشت رجال سیاسی و مأموران کشوری و لشکری

در سال ۱۳۲۲ از طرف متفقین، برخی از ایرانیان که در بین آن‌ها افرادی همچون آیت‌الله کاشانی، حبیب‌الله نوبخت، نماینده مجلس، و تعداد زیادی از امرای ارتش و رجال سرشناس سیاسی بودند دستگیر و زندانی شدند.

«بازداشت ایرانیان بدون هیچ دلیلی، و مصادره و غصب دارایی‌های خصوصی

و اموال عمومی از جمله اقدامات عادی روس‌ها در ایران به‌شمار می‌رفت. سربازان و افسران ارتش شوروی در ایران هیچ نوع برخورد رسمی و اداری با مأمورین کشوری دولت ایران نداشتند...» [همان، ۱۳۲]

سرریدر پولارد هم به دستگیری ایرانیان اعتراف می‌کند، و می‌نویسد: «پس از مدتی توانستیم موافقت دولت ایران را برای بازداشت ایرانی‌هایی که تصور می‌شد به فعالیت علیه متفقین مشغولند جلب کنیم، تا بتوانیم این افراد را مدتی تحت نظارت مراجع ایرانی و انگلیسی در توقیف نگهداریم.» [پولارد، ۱۰۰]

۴. خلع سلاح نیروهای نظامی ایران

رفتار سربازان روسی و انگلیسی با نیروهای نظامی ایران بسیار تحقیرآمیز بود؛ به‌ویژه در شمال و جنوب ایران، نیروهای ایران تنها با اجازه اشغالگران اجازه حمل سلاح داشتند. در اکثر نقاط ایران ارتش و شهربانی ایران توسط متفقین خلع سلاح شده بودند. «نیروهای شوروی در بدو هجوم خود به ایران پادگان‌های نظامی ارتش، ژاندارمری و نیروهای پلیس در

◀ یکی از عوامل عقب‌ماندگی ایران در دهه‌های بعدی قرن بیستم، اشغال ایران در جنگ جهانی دوم توسط دولت‌های انگلستان، شوروی و ایالات متحده بود



مرکز استان‌ها و شهرستان‌ها خلع سلاح کرده و بعد هم از تعداد نفرات آن‌ها کاستند و زمانی هم که دولت ایران اقدام به فرستادن نیروهای انتظامی به آن مناطق می‌نمود از آن جلوگیری به‌عمل می‌آوردند. و در مواقعی که با مسائل امنیتی روبرو می‌شدند نیروهای اندک و خلع سلاح شده ایران را مسئول حفظ نظم و امنیت می‌دانستند.» [ذوقی، ۱۳۲]

۵. تحریک اقوام کشور برای تجزیه‌طلبی

روس و انگلیس هر کدام برای به‌دست آوردن امتیازاتی، و حفظ منافع و رقابت با همدیگر، دست به تحریک اقوام و قبایل در منطقه تحت نفوذ خود می‌زدند. تحریک مردم و قبایل جنوب توسط انگلیسی‌ها و آذربایجان و کردستان توسط روس‌ها از این موارد بود. «در سال‌هایی که اتحاد شوروی با تحکیم مواضع دمکرات‌ها در آذربایجان و کردستان در جهت تجزیه این خطه می‌کوشید، متقابلاً بریتانیا نیز طرح ایجاد آشوب‌های تجزیه‌طلبانه در جنوب ایران را به‌منظور حفظ برتری قوا به سود خود کشید...» [فرودست، ۴۹]

ج. پی‌آمدهای اجتماعی و فرهنگی اشغال

حضور متفقین در ایران موجبات ناهنجاری‌های اجتماعی را فراهم آورد. مخبرالسلطنه هدایت این اوضاع را چنین توصیف می‌کند: «... در تهران قشون روی یک طرف، قشون انگلیس یک طرف، قشون امریکا بین دو، سی چهل هزار نفر لهستانی، غالب [غالباً] با دست خالی، وارد تهران شدند و سرباز زحمت‌های دیگر، اضطراب به‌جایی رسید که یازان فراموش کردند عشق...» [هدایت، ۴۲۸]

۱. کنترل و سانسور مطبوعات

سرریدر پولارد در گزارش خود از اوضاع ایران در تاریخ ۲۲ مه ۱۹۴۵ م. به

◀ روس‌ها تمام راه‌آهن و راه‌های شمال کشور در استان‌های پنج‌گانه شمال را مورد استفاده تام و تمام خود قرار داده بودند ولی نگهداری و تعمیرات راه‌آهن و راه‌ها همچنان به‌عهده دولت ایران بود و تنها حق عبور ناچیزی به دولت ایران می‌پرداختند که آن‌را هم بعدها قطع کردند و به بهره‌برداری کامل از خطوط و راه‌ها پرداختند

مرکزی گسیخته شده و بر اثر توطئه روس‌ها آذربایجان دستخوش حوادث ناگواری گردید [ذوقی، ۱۳۹].

با بررسی موارد ذکر شده و دیگر اقدامات و سیاست‌های اشغالگران در ایران، به این حقیقت پی می‌بریم که اشغال ایران، علاوه بر زیان‌های جبران‌ناپذیر اقتصادی در عرصه‌های سیاسی، امنیتی و اجتماعی نیز آسیب‌های شدیدی را به مردم وارد کرد که تبعات آن تا سال‌ها پس از خروج نیروهای اشغالگر در جامعه ایران به‌جای ماند، به‌طوری‌که به جرأت می‌توان گفت یکی از عوامل عقب‌ماندگی ایران در دهه‌های بعدی قرن بیستم، اشغال ایران در جنگ جهانی دوم توسط دولت‌های انگلستان، شوروی و ایالات متحده بود.

پی‌نوشت

۱. الهی، همایون، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، انتشارات پیام نور، چاپ سوم، ۱۳۶۹.
۲. بولارد، سرریدر، شترها باید بروند؟، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر البرز، ۱۳۶۹.
۳. تیرائیان، صفاءالدین، ایران در اشغال متفقین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۴. خانابای بیانی، غانله آذربایجان، (انتشارات زریاب، تهران، ۱۳۷۵) چاپ اول.
۵. ذوقی، ایرج، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی، جلد سوم، تهران، پازنگ، ۱۳۷۲.
۶. فردوست، حسین، ظهور و سقوط پهلوی، جلد دوم.
۷. کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران «از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی» محمدرضا فیسی، کامبیز عزیزی
۸. هدایت، مهدیقلی، (مخبر السلطنه)، خاطرات و خطرات (توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و...)، تهران، انتشارات زوار، چاپ ششم، ۱۳۷۵.

ایدن (وزیر امور خارجه) در مورد برقراری سانسور از جانب انگلیس و شوروی بر مطبوعات ایران می‌نویسد: «... برقراری سانسور از طرف انگلیس و شوروی درباره وقایع جنگ که با شدت هرچه تمام‌تر در قسمت اعظم دوره ی تحت کنترل اعمال می‌شد...» [بولارد، ۲۱-۱۲۰] مخبر السلطنه نیز می‌نویسد:

«مقامات شوروی هیچ تردیدی در سانسور اخباری که از نظر آن‌ها غیر قابل قبول بود به‌خود راه نمی‌دهند و وسیله‌ای که برای این کار در اختیار داشتند همان کمیسیون سه‌جانبه سانسور بود که بر طبق پیمان اتحاد سه‌گانه ۱۹۴۲ بین انگلیس و شوروی و ایران تشکیل یافته بود...» [هدایت، ۱۴۵]

و باز هم بولارد می‌گوید:

«... طبق توافقی که بین متفقین به‌عمل آمده بود آن‌ها اجازه داشتند هر نوع نشریه غیر رسمی را - به شرطی که یکی از سه کشور متفق با ورود آن مخالف باشند - توقیف و ضبط کنند...» [بولارد، ۲۱-۱۲۰]

۲. تجاوز متفقین به حریم خصوصی

مردم

متفقین، برخلاف اخلاق انسانی و مقررات و موازین بین‌المللی و برخلاف قول‌هایی که در یادداشت‌های خود داده بودند و برخلاف تسلیم بی‌قید و شرط دولت ایران و درخواست‌های «عاجزانه» برای در امان گذاشتن مردم، همچون مهاجمان وار دشورها می‌شدند و به غارت شهرها، اشغال ادارات و مصادره خواروبار مردم می‌پرداختند و نهایت بدرفتاری را با مردم می‌کردند: «... علاوه بر شکایات اهالی شهرها و قصبات از چپاول و غارت و تعدیاتی که یا در اثر ورود شوروی رخ داده و یا بالتبع از طرف اشخاص مفسده جو و اشرار حادث گردیده [بود] از بازرگانان و ادارات دولتی نیز شکایات و

گزارشاتی دائر بر اشغال و تصرف اماکن و ادارات دولتی و بنگاه‌های خطوط ارتباط، تلگراف و تلفن و راه‌آهن و غیره رسیده و می‌رسد.» [ذوقی، ۳۲-۱۳۱]

نیروهای امریکایی مقیم ایران نیز مانند همقطارهای روسی و انگلیسی خود اسباب مزاحمت مردم را فراهم می‌آوردند. گزارش تلگرافی زیر نمونه آن است: «چندی است مأمورین امریکایی به خانه‌های اهالی وارد [و] به‌نام این‌که کالای نیروی امریکایی دارند مزاحم [می‌شوند]. این رویه در اهالی ایجاد نگرانی و حسن تبلیغات مأمورین دولت را خنثی خواهد نمود.» [تیرائیان، ۵۴۲]

اشغالگران، فساد و رذایل اخلاقی جوامع خودشان را به ایران منتقل کردند. رفتار حیوانی آمریکایی‌ها از این نمونه است: «... امریکایی‌ها به سرعت باشگاه امیرآباد را

به مرکز فحشا تبدیل کردند. کامیون‌های امریکایی به مرکز شهر می‌آمدند و دخترها را جمع می‌کردند و به باشگاه می‌بردند...» [فردوست، ۱۲۴]

۳. انتشار و تبلیغ افکار کمونیستی و

غرب‌گرایانه

انتشار و تبلیغ افکار و عقاید کمونیستی و غرب‌گرایانه خطری بود که حاکمیت و استقلال ایران را مورد تهدید جدی قرار می‌داد، به‌ویژه آن‌که تبلیغ عقاید و افکار کمونیستی در منطقه‌ای صورت می‌گرفت که محیط مناسبی برای رشد ایده‌های جدایی‌طلبانه به‌شمار می‌رفت. از این‌رو کشور ایران عمیقاً مورد تهدید قرار گرفته، پیوند مردم آذربایجان و کردستان با دولت